

سرسخن ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران  
شماره ۹۱، پانزدهم مرداد ۱۴۰۰

## درباره اعتصاب کارگران هفت تپه

امروز ۱۵ مرداد، بیست و پنج روز از اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه می‌گذرد و در این فاصله به رغم تجمعات و راهپیمایی‌های مداوم و روزانه کارگران، کارفرمایان و مقامات دولتی حتی اندک گامی در جهت رسیدگی به خواسته‌های کارگران برنداشته‌اند؛ مطالبات بر حقی همچون پرداخت حقوق‌های معوقه، تمدید قرارداد کارگران بخش دفع آفات، بازگشت به کار کارگران اخراجی، واکسیناسیون کارگران علیه اپیدمی کرونا و همچنین تعیین تکلیف وضعیت شرکت پس از اعلام لغو واگذاری به اسدبیگی، که همگی از عمدۀ مطالبات کارگران هفت تپه می‌باشند.

نگاهی به این مطالبات به روشنی نشان می‌دهد که کارگران خواهان بدیهی‌ترین حقوق خود می‌باشند ولی در جمهوری اسلامی همین مطالبات نیز با بی‌اعتنایی کارفرما و دولت حامی وی مواجه می‌شود.

اعتصاب و مبارزات کارگران مبارز هفت تپه با رژیم حاکم در شرایطی صورت می‌گیرد که اعتصاب کارگران پیمانی شرکت‌های نفت و پتروشیمی و گاز مدت‌هاست در سراسر کشور ادامه دارد. همچنین مردم ستم‌دیده تشهه آزادی خوزستان مدت‌هاست با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، و "الشعب یرید اسقاط النظام" در اعتراض به شرایط بسیار وخیم زندگی خویش که بی‌آبی بارزترین نشانه آن است بپا خاسته و ضمن درگیری با نیروهای مسلح مزدور رژیم و به آتش کشیدن مراکز سرکوب و استثمار نشان داده‌اند که چگونه می‌شود در مبارزه با ستمگران آب را به آتش تبدیل نمود. در این اوضاع، کارگران هفت تپه که تاکید دارند مبارزات‌شان مسالمت‌آمیز است با سر دادن شعارهایی در راهپیمایی‌های خود از توده‌های جان به لب رسیده خوزستان که تشهه آزادی هستند حمایت کرده‌اند.

اعتراضات و اعتصاب کارگران هفت تپه در شرایطی صورت می‌گیرد که حافظین نظام گندیده سرمایه‌داری در ایران مرتبا در اتفاق‌های فکری‌شان هشدار می‌دهند که شورش گرسنگان در راه است. مثلًا محمود میرلوحی معاون وزیر کشور در دولت محمد خاتمی هشدار داده است که "ممکن است نارضایتی‌ها زمینه تحقق اعتراضاتی بالاتر از قیام آبان ۹۸ و دی ۹۶ را رقم بزند". با در نظر گرفتن این واقعیات به راستی برخورد رژیم سرکوب‌گر جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران را الوصفت با کارگران اعتصابی قابل تعمق و واقعاً آموزنده است. آنها بدون توجه به کلافگی کارگران از شرایط و خامت‌بار موجود و لبریز شدن کاسه صبر آنها در عمل حاضر نیستند کوچکترین گامی در جهت پاسخ‌گویی به مطالبات کارگران بردارند. تنها کاری که آنها در رابطه با اعتصاب کارگران هفت تپه انجام می‌دهند کوشش در به شکست کشاندن اعتصاب کارگران می‌باشد که این کار را با دستگیری کارگران مبارز، اخراج آنان و در بهترین حالت با دادن وعده‌های دروغین از جمله دعوت کارگران برای پیوستن به شوراهای اسلامی‌شان و همچنین با کوشش در خدشه‌دار کردن اتحاد در بین کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنان پیش می‌برند.

در یک مورد آنها برای ایجاد انشقاق در میان کارگران، دسته‌های سینه زنی به راه انداختند ولی تیر آنان به خط رفت و کارگران آگاه هفت تپه در مقابل این دسیسه‌ی دست اندکاران ضد کارگر دست به اعتراض زدند. اما رژیم حافظ منافع سرمایه‌داران با دست یازیدن به چنین اعمال ارتجاعی و با عدم پاسخ‌گویی به کمترین مطالبه کارگران باعث طولانی شدن اعتصاب می‌شود و امیدوار است که این ترفندها منجر به خستگی کارگران و تسلیم آنها به شرایط اسارت‌بار موجود گردد.

با در نظر گرفتن همه تلاش‌ها و دسیسه‌های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در به شکست کشاندن مبارزات کارگران هفت تپه و تعمق روی شرایط زندگی و خامت‌بار کارگران که اکثراً چند ماه حقوق نگرفته و از تامین کمترین معاش زندگی خود ناتوان می‌باشند، به راستی باید به کارگران آگاه و رزمنده‌ای که از پای نمی‌نشینند و همچنان فرباد "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، یا "مرگ بر استاندار، مرگ بر فرماندار" و دیگر شعارهای مبارزاتی‌شان در خیابان‌های شهر شوش طنین‌انداز است، درود فرستاد. کارگرانی که با صراحت، همبستگی خود را با مردم خوزستان بیان کرده و اعلام می‌کنند که خود جزئی از مردم خوزستان و همسو با مطالبات مردم این دیار می‌باشند.

تداوم اعتراض و اعتصاب کارگران مبارز هفت تپه تجارب مهمی را در اختیار تمامی کارگران ما و دیگر توده‌های ستمدیده و به جان آمده می‌گذارد. به طور مثال در شرایط فقدان تشکل‌های مستقل کارگری و در شرایط پراکندگی صفووف کارگران که خود حاصل دیکتاتوری حاکم است، تجربه ۲۵ روز اعتصاب و تجمع و راهپیمایی کارگران هفت تپه همچون دیگر تجمعات اعتراضی کارگران ایران یکبار دیگر به روشنی نشان می‌دهد که کارگران ما در جریان همین تجمعات و اعتراضات است که اتحاد طبقاتی خود را به نمایش می‌گذارند، اتحادی که چون خار در چشم دشمنان طبقه کارگر فرو رفته و آنها را بر آن می‌دارد تا به هر وسیله‌ای به مقابله با آن برخاسته و در صفووف کارگران تفرقه ایجاد کنند.

تجربه ۲۵ روز اعتصاب و تجمع و راهپیمایی همچنین یکبار دیگر نشان داد که رژیم سرکوب‌گر جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی و ضد کارگری خود در چنان بحران اقتصادی گرفتار است که برای حفظ منافع طبقاتی سرمایه‌داران نه می‌تواند و نه می‌خواهد که با رسیدگی به برخی از دردهای کارگران زمینه شورش گرسنگان را تا حدی تضعیف نماید. این رژیم همانطور که تاکنون نشان داده تنها با سرکوب به مقابله با مبارزات کارگران می‌پردازد.

این واقعیت بیانگر آن است که تحقق همه مطالبات اصلی کارگرهای ما وابسته است به نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته‌اش و مهمتر از آن وابسته است به نابودی کل نظام ظالمانه سرمایه‌داری وابسته حاکم بر ایران. چرا که این سیستم تا زمانی که بتواند به حیات استثمارگرانه خود ادامه دهد، دیکتاتوری و خفغان و سرکوب را باز تولید خواهد کرد و صرف‌نظر از شکل حکومت\_مثلاً شکل سکولار آن\_بی حقوقی کارگران و ریج و عذاب زندگی برای آنان و همین طور برای دیگر توده‌های تحت سistem ما تداوم خواهد یافت. از این روست که باید به رزم کارگران مبارز ایران ارج نهاد و در عین حال به آنان آموخت که رهایی‌شان از وضع ظالمانه سیستم سرمایه‌داری در گام اول به مبارزات آنها برای سرنگونی مسببن این وضع فاجعه‌بار وابسته است. پیشرفت کیفی این جنبش و ارتقا آن به یک مرحله بالاتر و تعیین کننده در گرو تحقق شعار تشكیل، تسليح، اتحاد، مبارزه و پیروزی است.